

# اقدام درخشان کارگران رسمی نفت و پیشروی جنبش شورایی

اصغر کریمی، صفحه ۲



## حمله نیروهای انتظامی به تجمع کارکنان رسمی نفت را شدیداً محکوم

میکنیم!

صفحه ۷

## بازداشت شدگان کارکنان رسمی نفت آزاد شدند

شهلا دانشفر، صفحه ۷

## قتل فجیع کارگران، حرص و آز سرمایه داران

یاشار سهندی، صفحه ۳

## قدرت اعتراضات اجتماعی و شکست های حکومت

مهران محبی، صفحه ۴

## بگیر و ببندهای حکومت و همسوئی تعرض متحدانه کارمندی

سیما منصوری، صفحه ۵

## اعتراضات بازنشستگان کشوری و لشگری، کارگران کشت و صنعت

کارون، سرایداران مدارس

صفحه ۸

## کارگران فولاد اهواز از مافیای فولاد میگویند

شهلا دانشفر، صفحه ۱۰

\*\*\*

## از مدیای اجتماعی

۱۶ کارگر، ۱۰ زن و ۶ مرد، در تصادف به قتل رسیدند

درصد افزایش حقوقها پیشاپیش به تاراج رفت، نرخ واقعی سبد معیشت حداقل ۲۰

میلیون تومان ست.!!!!

رتبه بندی با طعم تحقیر

هزاران ملوان و دریانورد به اجحافات اعتراض دارند

صفحات ۸ و ۱۲

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۴۳

۱۴ شهریور ۱۴۰۱

۵ سپتامبر ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

شهریور: چند خبر از تجمعات

اعتراضی کارگران، و آزادی

شماری از معلمان زندانی

صفحه ۹

اعتراضات بازنشستگان فولاد

اصفهان، کارگران شهرداری

زرنه و کارون و مریبان در

اهواز

صفحه ۱۲

احکام گستاخانه شلاق برای

۸ زندانی سیاسی

شهلا دانشفر، صفحه ۹

\*\*\*

دو طلاعیه کمپین برای آزادی

کارگران زندانی

احکام شلاق برای هشت

زندانی سیاسی را شدیداً

محکوم میکنیم

آخرین وضعیت معلمان و

کارگران بازداشتی از

اردیبهشت تا کنون

صفحات ۱۰ و ۱۱



## اقدام درخشان کارگران رسمی نفت و پیشروی جنبش شورایی

اصغر کریمی

بصورت شورایی رای گیری کردند و درصد بالایی از چندین هزار کارگری که در رای گیری شرکت کردند رای به تجمع دادند. در مورد حضور خانواده ها در تجمع اعتراضی نیز به همین صورت رای گیری کردند و اکثریت بالای کارگران به این پیشنهاد رای مثبت دادند. رای گیری از توده کارگران از طریق شبکه های وسیعی که در پلاتفرم های مدیای اجتماعی ایجاد کرده اند و با مشخصات علنی و واقعی خود، امکان دخالت حداکثری در مورد تجمع اعتراضی و شکل و تاریخ اعتراض را فراهم میکند. این گام بزرگی در راستای جنبش شورایی است.

رای گیری از توده کارگران تصمیمی از جنس جنبش شورایی است، تصمیم یک مجمع عمومی بسیار سازمان یافته است که مبنای پایه هر شورای توده ای است. چنین تصمیمی مشترکی قبل از هر چیز اتحاد کارگران را تحکیم میکند و اینکه تک تک کارگران از طریق رای دادن و سهم شدن مستقیم در تصمیم به یک اعتراض شریک میشوند همفکری و اعتماد بنفس بالایی به آنها میدهد و مبارزه آنها را بسیار تقویت میکند.

با توجه به جایگاه کارگران نفت در جنبش کارگری، اقدام درخشان کارکنان رسمی میتواند به الگویی برای سایر بخش های کارگران شاغل در نفت و مراکز کارگری تبدیل شود و کل جنبش کارگری را تحت تاثیر مستقیم قرار دهد. هزاران فعال کارگری که در دل اعتصابات پرشور و هر روزه خود تجاربی غنی در سازماندهی اعتصابات و تجمعات کارگری داشته اند و هر جا توانسته اند مجمع عمومی تشکیل داده اند، میتوانند با تحکیم شبکه های کارگری و گروه های مدیای اجتماعی این اقدام کارگران نفت را به سنتی وسیع در میان کارگران مخابرات و راه آهن، آتش نشانی، معادن، ماشین سازی ها، رانندگان کامیون و اتوبوس، معلمان و سایر بخش های جامعه تبدیل کنند.

اقدام کارکنان رسمی نفت و سایر مواردی که اشاره کردم، در کنار مجامع

جنبش شورایی قدم به قدم به پیش میرود و خشت های خود را رویهم میچیند. گفتمان اداره شورایی در هفت تپه و انتخاب مجمع عمومی نمایندگان کارگران و حمایت وسیع از طرف جامعه، مجمع عمومی کارگران پروژه ای نفت در هفشجان، مجمع عمومی معلمان سندج و انتخاب نمایندگان آنها، شورای سازماندهی کارگران پروژه ای نفت، شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان و تصمیم گیری جمعی در میان بازنشستگان از طریق گروه های خود در مدیای اجتماعی هر چند هیچکدام شورا به معنی واقعی کلمه نیستند اما همه اینها در مسیر جنبش شورایی و تقویت گفتمان شورا و قدم های عملی در ایجاد آن است. دو هفته قبل اتفاق مهم دیگری توسط کارگران رسمی نفت افتاد که بسیار حائز اهمیت است. کارگران رسمی نفت شورایی هماهنگی و همبستگی خود را ایجاد کردند و در اقدامی تازه و بسیار جالب

## به حزب کمونیست کارگری پیوندید!



شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

در انقلاب ۵۷ سنت جنبش شورایی در بسیاری از مراکز کارگری و در کل جامعه پا گرفت اما فاقد دورنما بود. حزب سیاسی قدرتمندی که به جامعه و طبقه کارگر افق بدهد و نیروی عظیمی را که به میدان آمده بود رهبری کند وجود نداشت و نتیجتاً جنبش شورایی و کل جنبش کارگری نتوانست به افقی سیاسی مجهز شود، جامعه را همراه خود کند و برای دوره ای طولانی دوام بیاورد و با هجوم جمهوری اسلامی در هم شکست. امروز اما فاکتورهای مهمی به نفع طبقه کارگر و جنبش شورایی شکل گرفته است و در طول انقلاب بسرعت فراگیر خواهد شد. کارگران نفت و کارگران مراکز فولاد و هفت تپه و معلمان و بازنشستگان پیشقراولان این جنبش رادیکال و آینده ساز جامعه اند.\*

عمومی متعددی که در طول اعتصابات کارگران در مراکز مختلف شکل گرفته است نشان میدهد که جنبش شورایی چگونه با گامهای استوار راه خود را به جلو باز میکند. این پیشروی ها اهمیتی فراتر از تقویت مبارزات امروز کارگران دارد. این پیشروی ها امروز اعتراضات جاری کارگران را تقویت میکند و فردا نیروی قدرتمند اداره شورایی جامعه خواهد شد. شخصاً تردیدی ندارم که در یک توازن قوای بهتر و با توجه به این پیشروی ها و تمایل عموم جامعه به شرکت و دخالت در سرنوشت جامعه که تنها ابزار آن شورا است، شوراها توده ای بسرعت در کلیه مراکز بزرگ و کوچک کارگری، در دانشگاهها، در مدارس و ادارات پا میگیرد، جنبش کارگری را در خط مقدم انقلاب قرار میدهد و بستر بسیار قدرتمندی برای رشد کمونیسم ایجاد میکند.

## رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی و نظام کثیف سرمایه داری است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و منابع و امکانات کافی برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،

برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

## قتل فجیع کارگران، حرص و آز سرمایه داران

### یاشار سهندی

باز هم در پناه جمهوری سپاه اسلامی سرمایه، کارگری در پی انفجار کوره مذاب فولاد در لنجان اصفهان کشته شد و دو کارگر دیگر مصدوم شدند. مرگ فجیع دیگری، بخاطر حرص و آز سرمایه داری که کارگر برای او حتی به اندازه ابزار کار، ارزش ندارد. بی هیچ اغراقی، کارفرما با شنیدن خبر، اولین چیزی که از ذهنش گذشته میزان خسارتی است که بر اثر انفجار کوره مذاب روی دستش مانده؛ نه از دست رفتن زندگی یک نفر.

فجیعترین "حادثه کاری" از این نوع در ایران، در آذر سال ۱۳۹۰ رخ داد که هجده کارگر زنده زنده در کارخانه فولاد غدیر یزد در آتش سوختند. در پی این حادثه، (چون این حادثه بخصوص را بخاطر وسعت کشتار نمی توانستند درز بگیرند)، ارزش یک کارگر در دادگاه اسلامی سرمایه "یک یک سوم دیه یک مرد مسلمان" تعیین شد. و کارفرما در قبال کشتار هجده نفر کارگر به شش ماه حبس تعزیری محکوم گردید. تا کارفرما راضی باشد! اینکه کارفرما این میزان حبس را تحمل کرد، یا با هزار دوز و کلک اسلامی، که یکی از آنها "هدیه" (نام اسلامی رشوه) دادن به همکارانش در بیدادگاههای حکومت از زیر آن قصر در رفته، معلوم نیست. حالا دیگر از اینجا مشخص است مرگ یک کارگر چقدر هزینه روی دست کارفرمای لنجانی خواهد گذاشت؟ هیچ!

با یک سرچ ساده در گوگل تحت عنوان "انفجار در کوره مذاب" با انبوهی موارد کشتار کارگران در طی سالها و

ماههای گذشته مواجه خواهید شد. یکی از این موارد در مهر سال ۹۹ در همین شهر لنجان، در کارخانه ریخته گری شهرک صنعتی فولاد رخ داده است و تکرار آن در همانجا یعنی ایمنی صد درصد کارفرمایان بعد از قتل. در این میان نیز کارگران بسیار دیگری مصدوم شده



سود بیافرینند.

مرگ در محیط کار، باید جرم جنایی تعریف شود. چرا که کارگر برای انجام کاری، برای تولید کالایی، برای آنچه که مدعی هستند "پیشرفت کشور" یا به محلی میگردد که نامش "کارگاه تولیدی" است. کارگر بخاطر خودکشی به کارگاه تولیدی نمی رود. وقتی کار کردن در چنین محلی منجر به مرگ کارگر می گردد، این دیگر یک "حادثه" نیست، این جرم جنایی است.

وقتی کارفرما برای رسیدن به سود عجله دارد و بخاطر به کف آوردن آن، هیچیک از شرایط ایمنی محیط کار را رعایت نمی کند؛ این کارها را خرج تراشی و زاید قلمداد میکند، در واقع دارد

اند. میزان مصدومیت این کارگران، و اینکه این کارگران بعد از حادثه چطور زندگی را سر می کنند بخاطر مرگ هولناک که اتفاق افتاده درز گرفته میشود. گوگل پر است از اخبار بسیار دردناک دیگر در همین زمینه با عنوانهای، مرگ سوزناک یا فجیع کارگر.

تکرار مکرر این گونه قتلها، تنها و تنها بدین خاطر است که قاتلین مصونیت دارند. "در پناه قانون" هستند. حکومتی وجود دارد که رسماً ارزش ریالی یک کارگر را مساوی یک یک سوم مرد مسلمان به صورت قانون در آورده است. این هم در صورتی که کارفرما از سر ناچاری محکوم شناخته شود و این یعنی چراغ سبز به سرمایه داران که هر جور

زمینه وقوع قتل را فراهم میکند. کارفرمایی که در پی بروز حادثه در فکر این است که گزارش حادثه را به گونه ای تنظیم کند که همه تقصیرات متوجه خود کارگر شود. بسیاری از آثار محل حادثه (وقوع جرم) را دست کاری میکند تا صحنه به آن صورتی که مورد نظر او درست شود و در عین حال دست به تهدید و ارباب کارگران میزند، این رفتارها اگر رفتار یک قاتل نیست، معلوم نیست رفتار چه کسی است؟

ایمنی محیط کار، پیش از حضور کارگر در کارگاه، باید از سوی نهادهایی که کارشان بررسی و تامین امنیت و ایمنی محیط کار است تضمین شود و کارفرما ملزم به رعایت موازین ایمنی محیط کار شود. از پیش باید به صراحت مشخص گردد که در صورت وقوع هر گونه حادثه در محل کار، این شخص کارفرماست که مسئول است. این استانداردها هم اکنون تا یک حدی و بسیار محدود در ایران بر روی کاغذ وجود دارد اما در عمل خبری از اجرائش نیست و هیچ تضمینی هم برای عملی کردن آنها از سوی کارفرمایی که حتی از تهیه یک لباس کار امتناع می کند، وجود ندارد.

در کنار انبوه مطالبات کارگران ایران، ایمنی محیط کار، باید در صدر مطالبات کارگران قرار گیرد تا اینگونه دست کارفرمایان برای کشتار کارگران باز نباشد. در کنار تضمین وجود محیط ایمن و امنیت کامل کار کردن باید، مرگ کارگر در محیط کار، بر اثر کار کردن، جرم جنایی تلقی شود. تا اینگونه بی محابا سرمایه داران از طبقه کارگر قربانی نگیرند.

## کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان انهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

ماهواره پناه است

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL KADJAD  
کانال جدید

پخش زنده آنلاین؛

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های؛

www.newchannel.tv  
nctv.tamas@gmail.com



## قدرت اعتراضات اجتماعی و شکست های حکومت

### مهران محبی

در مدت دو هفته گذشته دو اتفاق مهم در نتیجه مبارزات هر روزه و متحدانه جامعه علیه جمهوری اسلامی افتاد.

اول اینکه سرانجام حکومت در برابر عزم راسخ بازنشستگان برای درآوردن حقوقشان از حلقوم دزدان و چپاولگران، شکست را پذیرفت و دولت پرداخت سی و هشت درصد افزایش حقوق بعلاوه پانصد و پانزده هزار تومان به سایر سطوح مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی را تصویب کرد که از اول شهریور ماه هزار و چهارصد و یک باید اجرایی شود.

این شکست حکومتی است که سران دزد آن در دولت و دیگر نهادهایش همواره به بازنشستگان می گفتند پول ندارند و با تفنگ و چماق و اسپری فلفل و غیره به تجمعات آنها حمله می کردند.

بازنشستگان را ضرب و شتم می کردند، بازداشت می کردند، دست بند می زدند و به داخل ماشین های ون می انداختند و با خود به کالتریها و مراکز امنیتی و شکنجه گاههای اداره اطلاعات و اطلاعات سپاه می بردند تا با ایجاد رعب و وحشت صدایشان را خفه کنند و از تجمعاتشان ممانعت به عمل آورند.

اما بازنشستگان کوتاه نیامدند و متحدانه و با شهامت و شجاعت کم نظیر خواهان دریافت حقوق خود شدند. در جواب چپاولگران که می گفتند پول و منابع مالی برای پرداخت افزایش حقوق نداریم، آدرس دقیق پول ها و منابع مالی را دادند و گفتند که پول هست. آدرس پول و منابع مالی را با شعارهایی چون "حقوق بازنشسته زیر عباس است امروز"، "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه" دادند.

گفتند که پول ها و منابع مالی برای پرداخت افزایش حقوق بازنشستگان را آخوندها و آیت الله ها در چنگ خود گرفته اند و هزینه عیش و نوش شخصی و خرافه آموزی برای حفظ و نگهداری حکومت می کنند.

گفتند که پول هائی که بابت سی سال کار و زحمت ما و بابت حق بیمه هائی که در این مدت از حقوق های ما کسر شده

است و حالا باید به ما پرداخت گردد را دزدان حکومتی به طور سازمان یافته هر روزه چپاول می کنند. و حرف آخرشان را نیز رو به حکومت زدند و گفتند تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم. بازنشستگان این جدال را با جسارت تمام انجام دادند و یکشنبه های اعتراضی را به هفت روزهای هفته و سی روزهای اعتراضی در هر ماه تبدیل کردند و اینگونه بود که ثابت کردند از پا نمی نشینند و یک شکست سنگین بر حکومت تحمیل کردند.

حکومت قبل از پذیرش شکستش از بازنشستگان، شدیداً سرکوب کرد و حالا که شکست خورده است حتماً بازهم سرکوب خواهد کرد، بازداشت خواهد کرد و دست به هر عمل ضد انسانی ای که از دستش بر آید علیه بازنشستگان خواهد زد. اما اقدامات از این به بعد حکومت علیه بازنشستگان فقط از سر استیصال و برای جبران شکستش خواهد بود، همچنانکه تقلابهای تلافی جویانه از جانب هر شکست خورده ای امری طبیعی است، ولی کارساز نیست و امروز بازنشستگان در موقعیت قویتری برای عقب زدن هرگونه تعرضی قرار دارند.

دومین اتفاق مسرت بخش برای جامعه سراپا خروش و اعتراض در مقابل حکومت، آزادی تعدادی از فعالین معلمان، زنان و کارگران است. حکومت با پرونده سازیهای بی اساس و با تلاش برای ربط دادن آنها به جاسوسی و ملاقات با به اصطلاح جاسوسان خارجی می خواست برای سرکوب اعتراضات در جامعه بهانه و حقانیت بجوید. اگرچه فعالین آزاد شده با تودیع وثیقه های سنگین یک تا دو میلیارد تومانی و به طور موقت است، اما همین هم برای حکومت یک شکست دیگر است.

با آزادی موقت و در ازای دادن وثیقه های سنگین این فعالین، مردم با استقبال گسترده خود مخصوصاً در شهر میوان به حکومت نشان دادند که همه تلاشهای برای ترساندن جامعه از طریق زدن اتهاماتی مانند جاسوسی به فعالین معلمان و فعالین کارگری ختنی گردیده است. در مورد زنان هم همه کوشش های



سرکوبگرانه حکومت بی حاصل ماند. حمایت های وسیع از سپیده رشون زن معترض به حجاب که برای اعتراف اجباری با صورت کبود شده در اثر شکنجه شکنجه گران در بازداشتگاه اوین در برابر دوربین بازجو خبرنگاران قرار داده شده بود، چه در فضای مجازی و چه در محیط های عمومی و همچنین حمایت از زنان بازداشت شده دیگر به خاطر شرکتشان در کمپین "حجاب بی حجاب" که در مخالفت با هفته عفاف و حجاب حکومت براه افتاده بود، شکست دیگری بود که حکومت از طرف جامعه متحمل شد.

اتهاماتی از قبیل اشاعه فحشا که دستگاه های قضائی و امنیتی به فعالین جنبش زنان و زنان آزادیخواه و ضد حجاب منتسب می کردند تا بتوانند از طریق تحریک احساسات مذهبی و غیرت مردانه و ناموس پرستی در جامعه به سرکوب و جنایاتشان علیه زنان مشروعیت و حقانیت بدهند، عملاً به ضد کلیت نظام مذهبی و ضد زن و شرع و سنتی که زن را نیمه انسان و محرک فساد و فحشا در جامعه می پندارد تبدیل کرد. و این جواب

محکمی بود که مردم به حکومت دادند که آنچه را که آخوند و اسلام در مورد زنان فساد و محرک فحشا می دانند و بر مبنای آن قانون سرکوب تعیین می کنند، برای مردم عین انسانیت، آزادی و حق برخورداری از حقوق پایه ای انسانی است و با تمام توان از آن حمایت می کنند. جمهوری اسلامی امروز ناتوان تر از هر وقت در حلقه محاصره مردم است. مذهب که اساس فکری و قوانین مذهبی که اساس حاکمیت جمهوری اسلامی می باشد، در افکار مردم جایگاهش تنگ و مورد نفرت اکثریت جامعه است.

آنچه را که هنوز حکومت را سرپا نگه داشته است فقط سرکوب و خونریزی است و یک عرصه مهم دراتحاد مبارزاتی ما مردم اتحاد علیه سرکوبگری های حکومت است. در برابر اعتراضات ما مردم حکومت ابزار سرکوب، این ابزار نگه داریش را حتماً از دست خواهد داد و با یک انقلاب قدرتمند اجتماعی سرنگون خواهد شد.





## بگیر و ببندهای حکومت و همسوئی تعرض متحدانه کارمزدی

### سیما منصوری

در روند جدال های توده کارمزدی در پهنه قلمروهای اقتصادی، متحد شدن نیروهای کار در ساختارهای اجتماعی و علنی و به درجات گوناگون، بمثابة ضرورتی اجتناب ناپذیر از کشمکش و تلاش برای بهبود معاش و تغییر وضعیت زندگی شان بیرون زده است.

بر متن چهار دهه جدال های کارگران و در دوره اخیر، بطور مشخص در هفت تپه، فولاد، آذرآب، هپکو و در معادن و حمل و نقل و شهرداری ها و... تا عروج جنبش اعتراضی کارگران پروژه ای و امروز کارکنان رسمی نفت این اتحاد مبارزاتی را شاهدیم. بخصوص در این دوره (از نود و پنج تا کنون) این اعتراضات با قدرتمند ترین ظرف دخالتگری اجتماعی/طبقاتی که مبین رادیکالیسمش است یعنی با مجمع عمومی و حرکت بسوی ایجاد شوراهای به مرکز سیاست و به صحنه سراسری جدال های جنبش کارگری رانده شد!

ماتریال و تعین موجودیت این اتحاد موجود اساساً از منافع های زنده و عینی زندگی و گسترش نپذیرفتن های فقر معاش در یک همسوئی طبقاتی و تلاش دائمی برای بهبود معیشت و حق داشتن یک زندگی انسانی نشأت میگیرد. و این جدالی است به پهنه ۹۹ درصدی های جامعه که در اعتراضات هر روزه خود کل بساط و چپاول سرمایه داری حاکم را دارند به چالش میکشند. طبقه کارگری که در جلوی صف اعتراضات مردمی قرار گرفته و در موقعیت جدال های بنیانی تر و در قامت توده مردمان علیه وضع موجود، نگاه سیاسی اش بعنوان ستون فقرات تحولات و قیام های ۹۶ و آبان ۹۸ پرورش یافته و امروز در مکان بالاتری ایستاده است!

جنبش اعتراضی/ مطالباتی بازنشستگان در ساختاری اجتماعی/علنی بر متن این جدال ها و در هویتی سیاسی/ اجتماعی سازمان یافت و به میدان آمد. جنبشی علیه فقرمزد معاش با نفرتی انباشته از زندگی غارت شده، و حق

خواهی غیر قابل انکارش که به شدت گسترش یافت و در پهنه ای سراسری مهر یکشنبه های اعتراضی دائمی اش را در کف خیابان کوبید!

این جنبش با رسمیت دادن موجودیت و مطالبات غیر قابل انکار و مختصات مکان سیاسی/ اجتماعی و پتانسیل و قدرت بالفعل موجودش، نه تنها متولیان و مسببان این وضعیت را غافلگیر و به هراس انداخت، بلکه زیر فشار خود نهادهای حکومتی و "خانه کارگری" به سراسیمگی مهار و تخریب این جنبش به خیابان کشاند تا با دغلبازی شیادی شان "لباس کارگری" بر تن کنند و آدای کارگران را در بیاورند!

همچنین بر بستر جدال های دائمی کارمزدی و مردمان در چهار دهه، و ماهیت و سمت و سوی تحولات در این دوره، جنبش اعتراضی/ اجتماعی معلمان در جدال هائی بی وقفه و علیه فقر معاش با "حصلت نمای قائم به ذات" خود، یعنی با مکان سیاسی/ اجتماعی کارمزدی اش به کف جامعه آمد!

با گسترش و تعمیق جدال های طبقه کارگر و... در نپذیرفتن فقر و مصائب و بدبختی هائی که حکومت علناً بی روضه های فریب به اعتبار اسلحه در دستانش بر زندگی شان سرریز کرده است، تقابل این مردم در خلاصی از وضع موجود و حکومت مسبب اش را به رویارویی شفاف و بلاواسطه و تعیین تکلیف سوق داده است.

فریاد بی لکنت: "اصلاح طلب / اصولگرا دیگر تمام است ماجرا"، پایانی بر هر ذره توهم انتظار و خطی قرمز در رد همه وضع موجود و نشان از انتخاب سیاسی تغییر بود، انتخابی که خیابان میدان کارزارش است!

حکومت و همه سرپا نگه دارندگانش کاملاً واقف اند اگر جنبش های کارمزدی (کارگران و معلمان و بازنشستگان و بیکاران و...) حول پایه ای ترین منافع های در هم تنیده سفره معیشت شان رفتار اعتراضی متحدانه چشمگیر شان را به کف خیابان بیاورند نه تنها مطالبات را قاطعانه

فاکتور و... دست خواهند برد، بلکه به تناسب توارن قوای مادی اجتماعی شان برای خلق هر امکان بهبود و تغییر وضع موجود شان کشمکش و تلاش دائمی خواهند داشت. اما چه کسی گفته کارگران و معلمان و بازنشستگان و بیکاران و... توده مردم فرودست و... باید به این قوانین و تبصره ها و معادلات منافع های سرمایه و حکومتی احترام بگذارند و پای بند باشند؟!

وقتی زندگی واقعی بشر امروز با همه دستاورد ها و امکانات خلق کرده اش توانسته با دقت کمترین خطا معیشت انسانی و رفاه استاندارد قابل دسترس خانواده کارگری را تعریف و تثبیت و به رسمیت بشناسند. کارگر و معلم و بازنشسته و... در اینجا که مات و مبهوت به آسمانها زل نمیزنند، زندگی و کشمکش و جدال هایشان برای بهبود سفره معاش و زندگی و... که دیگر "خودبخودی" و پا در هوا نیست که یکی بیاید بگوید بیا تا روشن ات کنم دنیا دست کیست؟!

این طبقه کارگر یک بار قدرت سیاسی را گرفته و دنیا را تکانی داده که پس لرزه هایش هنوز سرمایه را میترساند، گرچه شکستش دادند. در همین دوره اخیر خاورمیانه را با انقلاباتش لرزاند و سرمایه بین الملل با به خون کشیدنش فعلاً مهارش کرده است. در اینجا نیز همین الان دارند خون میباشند و دی و آبان را با کشتار متوقف کردند و یک سرمایه بین الملل عصای زیر بغل شان شده است. کارگر و معلم و... میدانند زندگی رفاه چیست و سهمشان از کار و ثروت اجتماعی و... را میباشند، زندگی انسانی را میفهمند.

این قوانین و تبصره ها و معادلات اقتصادی خود ساخته حکومتی و ضدکارگری چاه ویلی ست که پیشیزی

و فوری خواهند گرفت، بلکه بی تردید کافی ست مشت هایشان را بلند کنند، ضربه ای بر سر و قامت حکومت خواهند کوبید که بنیان هایشان در هم بیچند! حکومت به شدت ترسیده است و متد "اقتاب پرستی" اش انعکاس هراسی ست که از گسترش و پیشروی جنبش های کارمزدی و مردمی دارد که با خشم و نفرت اعتراضات شان به محاصره اش گرفته اند و گرفتار آمده است.

حکومت همه ظرفیت ها و امکاناتش را به کار گرفته است تا این رفتار و اقدام قدرتمند را مهار کند و بزند و از هم پاشاند. در کنار مکانیسم های سرمایه ای شقه کردن نیروی کارمزدی بمثابة یک طبقه اجتماعی، فرایندهای ساختگی پخش و پلا کردن ها برای غارتگری استیصال آمیز و شکستن پتانسیل های واقعی در قلمروهای اقتصادی کار با ماهیت بکسان و... یک تعرض دائمی این حکومت است.

شکستن پتانسیل واقعا موجود و زنده جنبش های کارمزدی و دست به سر کردن و معطل کردن شان با ترندهای گوناگون، با قوانین خودساخته "اگر و مگر و اما" ی تفسیر بردار در دلان های پر پیچ و خم معطلی... که علیه منافع مردم رسمیت داده شده است. و نیز باد زدن نهادهای دست ساز ضدکارگری و پادوهای فرصت طلب، با همگامی محافل محافظه کار و "رفرمیست های الکی"، تا تئوری سازان خوش باور "توسعه طلبی فرهنگی و اقتصادی و..."، بک تلاش "خانوادگی" گرایشات سرمایه در برابر و علیه سازمان یابی در هم تنیده جنبش های کارمزدی ست.

بطور یقین طبقه کارگر و توده مردم در محافظت و بهبود و دفاع از سفره معیشت خانوار و زندگی شان نه تنها به هر امکان در دسترس و روزنه امید ("قانونی و دو

**رسول بداقی، رضا شهابی، حسن سعید، کیوان مهتدی و سیسل کولر و زاک پاری باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند**

...در هر قلمرو و فرایند اقتصادی و با هر درجه توان کار و تنها بواسطه کارمزدی استاندارد، باید مزد معاش و حقوق مطابق یک زندگی رفاه استاندارد بالاتر از خط فقر داشته باشند. (اگر 3500 یا 4000 دلار و... مبنای حقوق ماهیانه کارگر بین الملل در این دوره باشد، این شاخص برای کارگر میتواند مبنای مزد پایه در خور انسانی ش باشد.)

مزیت های همسان سازی و رتبه بندی و سختی کار و میزان تجربه و...، تنها وجوه جنبی و مازاد کمی بر حقوق پایه میتوانند باشند که در پروسه رشد و ارتقاء قابل تعریف خواهند بود.

همه شرایط تحصیل فرزندان و بهداشت و درمان رایگان خانوارهای کارمزدی که بخشی از پروسه بازتولید نیروی کار برای فعالیت در قلمروهای اقتصادی سرمایه و بنگاه های حکومتی شان است از تعهدات این مناسبات و این حکومت و دولت های سرمایه داری است. تشکیل مجمع ای از نمایندگان و فعالان جنبش های اعتراضی کارگران، بازنشستگان، معلمان و پرستاران و...، یک ضرورت در برابر تعرض سرمایه و حکومت شان است و ایجاد آن ممکن!

با تلاش در سازمان یابی اتحاد جنبش های کارمزدی و به میدان آوردن چشمگیرترین اعتراضات درهمنشسته حول پایه ای ترین حق و حقوق به رسمیت شناخته شده، یعنی مزد رفاه معیشت برای یک خانواده مطابق استاندارد و همه شرایط تحصیل و درمان رایگان و...، این حکومت و دولت و نهادهای مرتبط شان زانو بر زمین خواهند سائید!

هایشان را مطابق با همه مایحتاج استاندارد و نیازهای انسان متمدن امروز را در کنار همه شرایط تحصیل و بهداشت و درمان رایگان فراهم کنند!

اینها همه "ادعا و دکترین اقتصاد سرمایه داری و حکومت های سیاسی شان زیر پرچم "دموکراسی و پارلمنتاریسم و اساس حقوق بشرشان" است. اما انتخاب این حکومت و دولت شان روشن است، نشسته اند برای غارتگری مردم برنامه ریزی کرده اند و رسماً دارند به کارگر و معلم و بازنشسته و... میگویند وضعیت سفره معاش و جیب تان بهتر از این نخواهد شد بروید کمر بندهایتان را سفت کنید. کارگران و معلمان و بازنشستگان و... اگر ظرفیت و پتانسیل موجودشان را حول پایه ای ترین حق و حقوق شناخته شده به میدان نیاورند تاریخ سیاهی را تجربه خواهند کرد. جدال جنبش های کارمزدی در قلمرو های اقتصادی متعدد و برای هر درجه بهبود معاش، با مطالبه همسان سازی ها، رتبه بندی ها و سختی کار و... همگی ضروری و باید ستانده شوند، اما هر رفتار سیاسی و متد و تئوری سازی ای که اساس و پایه ای ترین حق و حقوق و شاخص های اصلی تعیین معیشت و سطوح رفاه زندگی خانوارهای کارمزدی (مزد و حقوق رفاه مطابق معیشت استاندارد خانوار در هر دوره) را به حاشیه و یا فراموشی بکشانند، با خاک پاشیدن بر چشمان طبقه کارگر و مردمان فرودست در صفوف گرایشات سرمایه و نهایت رو در رویی با کارگر و این مردم اند!

کارگر و معلم و پرستار و بازنشسته

از صفحه ۵

## بگیر و بیندهای حکومت و ...

موجودیت خود، تمامیت ساختار و مناسبات کالانی را استمرار میدهد و بازتولیدش را ممکن میکند. بر همین پایه: "گره زدن اساس مزد معیشت و سطح و ماهیت زندگی کارگر و توده کارمزدی به محصول و هر نتیجه فرآیند کار و سود و هر قانون و تبصره و موضوع مرتبط با منفعت های سرمایه و حکومت هاشان و گفتن از "نقش در توسعه اقتصادی و فرهنگی و ملی و پیشرفت و..."، یک کلاه گذاری قدیمی و شیادی حکومت ها و بنگاههای سرمایه داری شان است!

هر درجه تفاوت در سطوح مزد معاش و... و در وضعیت های متفاوت گرچه واقعی ست، اما تنها موضوعات جنبی و حاشیه ای بر متن شاخص ها و مقولات پایه ای تر همسان و پایدار اقتصادی / اجتماعی خواهند بود!

رابطه و مکان هر نیروی کارمزدی (کارگر و معلم و پرستار و بازنشسته و کولبر و...) در هر گوشه این مناسبات سرمایه، تنها رابطه کار و سرمایه یا بردگی مزدی در روابط استثماری است. در این میان تنها "رسالت" و دغدغه و تلاش و جدال کارگر و معلم و پرستار و بازنشسته و... طبقه کارمزدی و مردمی بطور کل، بیرون کشیدن سهم زندگی شان از چنبره غارتگری سرمایه و بهبود سفره معیشت و تغییر همه وضعیت و نهایت پایان دادن به این بردگی مزدیست. معامله دیگری این وسط نداریم!

سرمایه داری و این حکومت و بنگاه هایشان موظف اند بی هیچ خدشه، شرایط و همه مقدرات زندگی و زیست و بازتولید هر نیروی کارمزدی و خانوار

قابل احترام نیست و طبقه کارمزدی و... هر کجا زورش برسد میزند زیرش! حکومت آمده برای غارتگری و پخش و پلا کردن و ایجاد موانع، ده جور معلمی و پرستاری، ده جور فولادی و معدنی و بیست جور بازنشستگی و... سازمان داده، و آنقدر تبصره و بخشنامه و متمم و... رسمیت داده اند که کارگر و معلم و بازنشسته و... باید تمام طول عمرشان بدون و در چند جبهه بجنگند و نگاه که میکنی آخرش در شرایط موجود زندگی شان هنوز زیر خط فقر اند!

آنوقت چگونه است که همه "امام جمعه ها و امامان جماعت های مساجد و ادارات و هزار..."، همه شان یک جورند و همه شان حقوق های لاکچری به ارزش دلار امروز میگیرند!؟

از موضع منافع طبقه کارگر و توده مردمان، یک خانواده کارگر خدمتاتی شهرداری و معلم و...، همانقدر انسان اند و سفره معیشت و مایحتاج زندگی در خور انسان دارند که خانوارهای صنعت نفت و پزشکی و هر قلمرو اقتصادی دیگر!...

توده نیروی کار در معادن و صنایع و حمل و نقل و خدمات، تا درمان و آموزش/پرورش و... همه نیروی کارمزدی در قلمروهای اقتصاد سرمایه و مناسبات حاکم اند. و از موضع منفعت طبقه کارگر و توده مردمان هیچ فرآیند اقتصاد و قلمرو از مناسبات سرمایه داری مکان برتری خود ویژه نسبت به دیگر قلمرو ندارد. هر یک تنها حلقه ای از زنجیره مناسبات اقتصادی استمار گرانه درهمنشسته ای است که هر فرایند در هر لحظه از

## #نه\_به\_سناریوسازی





## حمله نیروهای انتظامی به تجمع کارکنان رسمی نفت را شدیداً محکوم میکنیم!



امکانات زیستی و معیشتی بر اساس استانداردهای قابل قبول برای همه کارگران شاغل در نفت، بالا بردن استاندارد ایمنی محیط کار، به رسمیت شناخته شدن حق تشکل و پایان دادن به امنیتی کردن مراکز کاری در نفت.

حزب حمایت قاطع خود را از مبارزات و خواستهای کارکنان نفت اعلام میکند. همبستگی همه بخش های نفت با اعتراضات کارکنان رسمی نفت و حمایت بخش های مختلف کارگری در نفت از

فامیل و پارتی بازیها و تبعیض در پرداختها، بازگرداندن مالیات های سنگین اخذ شده که طی سالها از حقوق کارگران کسر شده، پایان دادن به اختلاسها و شفافیت دادن به عملکرد صندوق بازنشستگی، ارتقای وضع خدمات بهداشتی و درمانی و برخورداری همه کارگران شاغل در نفت از درمان رایگان با کیفیت، ارتقای خدمات رفاهی کارگران نفت از جمله بهبود وضع غذا و غذاخوری ها، بهبود خوابگاهها و

شنیع داده خواهد شد."

تجمع روز ۲۸ شهریور بر اساس نظر سنجی شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان نفت در گروههای این کارکنان مدیای اجتماعی و رای حداکثری کارکنان نفت تصمیم گیری شده است. در این نظرسنجی کارکنان بر تجمع همراه با خانواده ها رای داده اند و تجمعات بنا بر تصمیم نظر سنجی عمومی انجام شده در سه منطقه تهران مقابل وزارت نفت و در اهواز و عسلویه برگزار خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری یورش به صف اعتراض کارکنان نفت و بازداشت شماری از آنها را شدیداً محکوم میکند و بر آزادی فوری و بدون قید و شرط دستگیر شدگان تاکید دارد.

مطالبات اعلام شده کارکنان رسمی نفت از جمله عبارتند از: اجرای کامل ماده ده قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و محاسبه پرداخت پستی بک آن از زمان تصویب این قانون، ارتقای پایه سمت های سازمانی آنها، تجدید نظر در افزایشات عمومی آنان متناسب با رشد تورم، پایان دادن به استخدامها و انتصابات

روز ۱۲ شهریورماه شماری از کارکنان رسمی نفت شاغل در برخی مراکز عملیاتی در نقاط مختلف کشور، که از مناطق مختلف نفتی به قصد برگزاری تجمع و پیگیری مطالبات خود به تهران آمده بودند، در مقابل ساختمان وزارت نفت مورد برخورد نیروهای انتظامی قرار گرفتند. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای همبستگی و هماهنگی کارکنان رسمی نفت شماری از کارگران در محل بازداشت شدند که تعداد دقیق آن هنوز روشن نیست. شورای همبستگی در اطلاعیه خبری این حرکت اعتراضی مینویسد: "سلامتی تک تک همکارانی که در گردهمایی ۱۲ شهریور جلو وزارت حضور دارند و داشتند بر عهده مسولان وزارت نفت و نیروهای امنیتی میباشد. گره ای که با دست باز می شود را کاری نکنید با دندان هم نشود باز کرد."

شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان نفت در اطلاعیه خبری خود ضمن محکوم کردن یورش تجمع مقابل وزارت نفت اعلام میکند: "در گردهمایی ۲۸ شهریور جوابی در خور به این حرکت

## بازداشت شدگان کارکنان رسمی نفت آزاد شدند



### شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی نفت:

"سلامتی تک تک همکارانی که در گردهمایی ۱۲ شهریور جلو وزارت حضور دارند و داشتند بر عهده مسولان وزارت نفت و نیروهای امنیتی میباشد. گره ای که با دست باز می شود را کاری نکنید با دندان هم نشود باز کرد."

در گردهمایی ۲۸ شهریور جوابی در خور به این حرکت شنیع داده خواهد شد."

### شهلا دانشفر

روز ۱۲ شهریور گروهی از کارکنان رسمی نفت که برای پیگیری مطالباتشان به تهران آمده و قصد تجمع در مقابل وزارت نفت را داشتند با مقابله نیروی انتظامی روبرو و حدود هفتاد نفرشان بازداشت شدند. باقی آنها در پارک ورشو و تجمع کرده و عکس جمعی شان را انتشار دادند. بازداشت شدگان نیز زیر فشار اعتراض با اخذ تعهد آزاد شدند. تاکید کارگران نفت بسته شدن پرونده های امنیتی آنهاست. شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان نفت طی اطلاعیه ای یورش نیروی انتظامی را محکوم و اعلام کرد: "در گردهمایی ۲۸ شهریور جوابی در خور به این حرکت شنیع داده خواهد شد." بدین ترتیب در دل جنبش پر تلاطم کارگری، این بار نفت به کانون داغ اعتراضات تبدیل شده است."

تصمیم نظر سنجی هایشان در تدارک برپایی تجمعات سراسری ۲۸ شهریور با همراهی خانواده هایشان هستند. یک تاکیدشان بر اتحاد همه بخشهای شاغل در نفت برای کوتاه شدن دست پیمانکاران و لغو قوانین مناطق ویژه اقتصادیست. خواست فوری آنها افزایش حقوقها و اجرای مصوبه ماده ده است و با اجرائش مزدشان حداقل دو میلیون افزایش می یابد. بازپرداخت مالیاتهای سنگینی اخذ شده گذشته، ارتقای خدمات بهداشتی و درمانی رایگان برای همه کارگران نفتی، ارتقای استاندارد امکانات زیستی و معیشتی، ایمنی محیط کار از دیگر مطالبات آنهاست. این کارگران به مالیاتهای سنگین مقرر شده، پارتی بازیها و تبعیض در پرداختها، به اختلاسها و به امنیتی بودن فضای مراکز نفتی معترضند. و این صدای رسای اعتراضات در نفت است.

اکنون کارکنان رسمی نفت بنا بر

## اعتراضات بازنشستگان کشوری و لشکری، کارگران کشت و صنعت کارون، سرایداران مدارس



از مواد شیمیایی اعتراض دارند. یک مطالبه سرایه داران اجرای رتبه بندی و اجرای فوق العاده ویژه افزایش حقوق ها ایشان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ شهریور ۱۴۰۱، ۳ سپتامبر ۲۰۲۲

پرورش و در مراکز استانها مقابل ادارات کل آموزش و پرورش برگزار خواهند شد. در آموزش و پرورش ۶۷ هزار نیروی خدماتی مشغول به کارند و شرایط معیشتی و کاری دشوار دارند. در رابطه با این وضعیت آنها بارها و بارها تجمع داشته اند. اعتراض آنها بطور واقعی به سطح نازل حقوقها و وضع سخت معیشتی شان است. سرایه داران به فاصله حقوق نیروهای خدماتی با سایر فرهنگیان و دیگر نیروهای خدماتی در ارگان های مختلف دولتی و سطح بسیار نازل دریافتی اعتراض دارند. آنها همچنین به حذف برخی تسهیلات و آیمت های مزدی خود از احکام کارگزینی از جمله حق لباس، حق شیفت شب، حق نظیف، کارانه تابستان، بند جذب مناطق محروم، اضافه کاری ماهانه، اضافه کاری ۳۶ ساعت موظف، حق سرایداری، اضافه کاری مدارس نوبت دوم (دوشیفته صبح وعصر)، سختی کار بخاطر استفاده زیاد

روز خود شد و در حرکت اعتراضی این روز کارگران دست به راهپیمایی زدند. اعتراض آنها به وضع بد معیشتی و سطح نازل حقوقهایشان است. همسان سازی حقوقها با شرکتهای نیشکر هم جوار و افزایش سطح آن و دائمی شدن قراردادهای دو خواست فوری آنهاست. این کارگران به اعمال زور و تهدید در مقابل خواستهایشان اعتراض دارند. از جمله در حرکت اعتراضی روز ۱۱ شهریور چهارده نفر از کارگران معترض از کار تعلیق شدند. کارگران کشت و صنعت کارون خواستار رفع این تعلیق ها و پاسخگویی فوری به مطالباتشان هستند. در رابطه با این موضوعات کارگران کشت و صنعت قبلا نیز تجمعات اعتراضی داشتند.

- سرایداران و خدمتگزاران مدارس سراسری کشور برای روز ۱۵ شهریور به تجمعات سراسری فراخوان داده اند. این تجمعات در تهران مقابل وزارت آموزش و

روز شنبه ۱۲ شهریور بازنشستگان کشوری ولشکری اراک مقابل دفتر نماینده مجلس این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. این بازنشستگان خواستار رسیدگی به وضعیت نامناسب معیشتی و اجرای کامل همسان سازی حقوق و مستمری ها هستند. در این تجمع بازنشستگان شعار میدادند: «دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند»

اجرای همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر هجده میلیونی، درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، پایان دادن به اختلاس های و دزدی ها و بازگرداندن پولهای به سرقت رفته به صندوق بازنشستگی خواستهای سراسری همه بخش های بازنشستگان است.

- روز ۱۲ شهریور اعتصاب کارگران کشت و صنعت کارون وارد دوازدهمین

## درصد افزایش حقوقها پیشاپیش به تاراج رفت ، نرخ واقعی سبب معیشت حداقل ۲۰ میلیون تومان ست.!!!

شده ایم؟ نه! ما هوشیارتر از همیشه هستیم. برای ما، معیار زندگی مناسب، با معیشت و رفاهمان اندازه گیری میشود و نه این تبلیغات و ننه غریبم بازیهای پوسیده و تکراری.

\*\*\*

### خط فقر ۲۰ میلیون

کمتر از این میزان یعنی به مخاطره افتادن زندگی میلیونها بازنشسته و خانواده هایشان.

#حقوق\_سبب\_معیشت\_افزایش\_نرخ\_تورم  
شورای بازنشستگان ایران  
برگرفته از مدیای اجتماعی



جامعه بازنشسته خشمگین است. خشمگین و معترض به اینهمه اجحاف، به اینهمه دروغگویی و اینهمه فساد! بازنشستگان بارها شعار و مطالبه #حقوق\_سبب\_معیشت\_افزایش\_نرخ\_تورم را سر داده اند. بارها اعلام کرده اند معیار زندگی "سبب معیشت" است و نه افزایش ده و بیست و ۵۰ درصدی! بارها گفته ایم که هزینه سبب معیشت در هر برهه ای باید محاسبه و طبق آن حقوقها بروز رسانی شود و بعد نرخ تورم اعمال گردد! و گرنه وقتی هزینه معمول یک زندگی چهار نفره ۲۰ میلیون تومان است، حکومت با اندک افزایش، فقط کلاه سر ما میگذارد.

چرا نمیگویند حقوق بازنشسته با خط فقر چقدر فاصله دارد؟ این درصدها قطره ای از دریای تورم را جبران نمیکند و چرا از قبل هم فقیرتر

## ۱۶ کارگر، ۱۰ زن و ۶ مرد، در تصادف به قتل رسیدند



سودپرستی بانی این اوضاع و قتل کارگران هستند. حالا چه کسی باید خانواده ۱۶ کارگر و مصدومین و فرزندان عزادارشان را تامین کند؟ لعنت بر شما خونخواران و استثمارگران و فاسدین! ما کارگران هفته خود را در غم و درد این خانواده ها و کارگران مزارع کشاورزی سهمیم میدانیم و به آنها صمیمانه تسلیت میگوییم.

هفت تپه، کانال مستقل کارگران برگرفته از مدیای اجتماع

دیروز ۸ شهریور بار دیگر خانواده های کارگران عزادار شدند. کارفرمای فاسد و دزد کارگران کشاورزی و مزارع را با یک مینی بوس قراضه در این جاده های خونخوار یکرست به قتل گاه میفرستد. این مینی بوس و مثلا سرویس حامل ۲۵ کارگر کشاورزی بوده که ۱۶ نفرشان - ۱۰ زن و ۶ مرد- کشته میشوند و ۹ نفر دیگر زخمی هستند.

جاده های ایران و ماشین های حلبی و غیر ایمن و غیر استاندارد و فساد بی حد و حصر به اندازه جنگ های سخت هر سال قربانی میگیرند. ما هم میگیریم «تصادف شد و این تعداد کشته و زخمی شدند!» سقوط از بالابر در کار بدون ایمنی، انفجار در کارخانه بدلیل کار غیر بازرسی شده و بدون صدور جواز ایمنی، نقض عضو بدلیل کار نکردن چشم ایمنی دستگاه ها از جمله تله های مرگ هستند که نامشان را با «بی احتیاطی و حادثه» بزک می کنند. این زنجیره فساد و





استقبال پرشور مردم دیواندره از چهار معلم زندانی آزاد شده



تجمع کارکنان رسمی مخابرات آذربایجان شرقی



تجمع و راهپیمایی کارگران خط ۳ مترو



تجمع کارگران شهرداری اسالم

## ۸ شهریور: چند خبر از تجمعات اعتراضی کارگران، و آزادی شماری از معلمان زندانی

قرار گرفتند. آزادی این عزیزان را به آنها، به خانواده هایشان و به همگان تبریک میگویم. این ۴ معلم زندانی در ۲۵ خرداد بازداشت شده بودند و اکنون با قید وثیقه آزاد شده اند. پرونده امنیتی تشکیل شده برای آنها و تمامی زندانیان سیاسی باید مسدود گردد.

استقبال از معلمان زندانی هفته گذشته در مریوان و اکنون در دیواندره پاسخ دندان شکن مردم به سرکوبگری های حکومت است. هم اکنون شمار دیگری از معلمان به اسامی رسول بداقی، اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، ناهید شیرپیشه، ناهید فتحعلیان، زینب همرنگ، معصومه عسکری، مهدی فتحی، هاشم خواستار، جواد لعل محمدی، محمد حسین سپهری و سارا سیاه پور در زندان بسر میبرند. تمامی معلمان زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدو شرط آزاد شوند. به قدرت اتحاد مبارزاتی مان میتوانیم در زندانها را باز کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۸ شهریور ۱۴۰۱، ۳۰ اوت ۲۰۲۲

- کارگران خدماتی خط ۳ مترو در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان و حق بیمه دست به اعتصاب زدند و بصورت راهپیمایی به سمت ساختمان اصلی شرکت مترو شهرداری تهران در پل کالج راهپیمایی کردند.

- کارکنان رسمی مخابرات آذربایجان شرقی در اعتراض به تاخیر در پرداخت دستمزدها و برخی مطالباتشان در مقابل دفتر مدیر منطقه در تبریز تجمع کردند.

- جمعی از کارگران کارخانه آجر جیل در اعتراض به تعطیلی شرکت و خطر از دست دادن شغل خود و مشکلات معیشتی شان مقابل فرمانداری کارون تجمع کردند.

- کارگران شهرداری اسالم به دلیل عدم پرداخت دستمزدها و حق بیمه خود در مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند.

- چهار نفر از اعضای انجمن صنفی معلمان دیواندره به اسامی هیوا قریشی، کاوه محمد زاده، پرویز احسنی و امید شاه محمدی از زندان آزاد شدند. این فعالین در ورودی شهرداری دیواندره مورد استقبال پرشور جمعیت بزرگی از مردم

## سارا سیاهپور آزاد شد آزادی وی را شادباش میگویم

روز ۱۲ شهریور سارا سیاهپور از معلمان البرز با وثیقه ۳۰۰ میلیونی شد..

آزادی او را به وی و به همگان تبریک

میگویم. یک خواست فوری معلمان

بستن شدن پرونده امنیتی او، معلمان و



**آزادشان کنید!** FREE THEM NOW  
FREE ALL JAILED TEACHERS IN IRAN

ASADOL BODAGHI JAFAR EBRAHIMI MOHAMMAD HABIBI ESMAIL ABCHI MEHDI FATHI HASHEM KHAYSTAR ZAHAB HANGRANG  
ABBAS VASIEDAN M. JOSEPH SEFERI MAHD PATTALANI MASOOMEH ASKARI MAHD SHIRPOUR SARA SIYAPOUR AL-LAL MOHAMMAD

اسامی معلمان زندانیان قوی: اسماعیل عبدی، رسول بداقی، جعفر ابراهیمی، ناهید شیرپیشه، ناهید فتحعلیان، زینب همرنگ، مهدی فتحی، هاشم خواستار، جواد لعل محمدی، محمد حسین سپهری و سارا سیاهپور. سارا سیاهپور از ۲۵ خرداد ۱۴۰۱ بدون قید و شرط آزاد شده است.



مسئولین زندان تهران بزرگ، توسط چند زندانی جرائم خشن، مورد حمله وحشیانه و ضرب و شتم قرار گرفتند و اکنون نیز در پرونده سازی جدیدی چنین احکام جنایتکارانه ای برایشان صادر شده است. این سرکوبگرها باید با اعتراض سراسری و متحدانه ما مردم پاسخ گیرد.

همانطور که با کارزارهای مبارزاتی و اتحادمان علیه سرکوب، سناریو سازی های امنیتی را به شکست کشاندیم، میتوانیم کل قوانین مجازاتهای اسلامی و شلاق، این شکل شنیع آنرا عقب رانده در زندانها را باز کنیم.

مندرج در ژورنال شماره ۲۰۵

## احکام گستاخانه شلاق برای ۸ زندانی سیاسی

شهلا دانشفر

اخیرا با وثیقه موقتا آزاد شد. دیگر زندانیان سیاسی محکوم در این پرونده عبارتند از: پویا قبادی، اکبر باقری، اکبر فراچی، داود عبدالمهی، علیرضا فرشی و شهاب سلطانیان.

محکوم کردن زندانیان به مجازاتهای عهد عتیقی و وحشیانه ای مثل شلاق، یک توحش تمام عیار است و باید از جانب همه سازمانهای انسان دوست و همه مردم محکوم شود. چنین حکومتی باید در سطح جهان بایکوت و به انزوا کشیده شود.

این هشت زندانی سیاسی در مهرماه سال گذشته در اقدامی سازمانیافته با تباری

روز ۷ شهریور، هشت نفر از زندانیان سیاسی در بیدادگاه جمهوری اسلامی محاکمه و هر کدام از آنها مجدداً به ۱۱ ماه و ۱۵ روز حبس و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شدند.

شاپور احسانی‌راد عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران یکی از این زندانیان است که ۶ سال حکم دارد و از خرداد ۹۹ در زندانست. اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته دیگری است که به جرم شرکت در اعتراضات بازنشستگان از فروردین ۱۴۰۰ با ۴ سال حکم زندان،

## احکام شلاق برای هشت زندانی سیاسی را شدیداً محکوم میکنیم



۹ شهریور ۱۴۰۱، ۳۱ اوت ۲۰۲۲  
#اتحاد\_علیه\_سرکوب  
#نه\_به\_شکنجه\_و\_زندان

آنها صادر شده است. محکوم کردن زندانیان به مجازاتهای عهد عتیقی و وحشیانه ای مثل شلاق، یک توحش تمام عیار است و باید از جانب همه سازمانهای انسان دوست و همه مردم محکوم شود. حکومتی که به چنین احکامی متوسل میشود باید در سطح جهان منزوی و بایکوت شود و از تمام نهادهای بین المللی از جمله سازمان جهانی کار اخراج گردد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
Shahla.daneshfar2@gmail.com  
<https://free-them-now.com>

حکم دارد و اخیرا با قرار وثیقه چند میلیونی موقتا آزاد شده است. اسامی دیگر زندانیان سیاسی محکوم شده به زندان و شلاق عبارتند از: پویا قبادی، اکبر باقری، اکبر فراچی، داود عبدالمهی، علیرضا فرشی و شهاب سلطانیان.

در مهرماه سال گذشته بود که در اقدامی سازمانیافته با تباری مسئولین زندان تهران بزرگ، رئیس تیپ ۲، و وکیل بند و چند زندانی جرائم خشن، این هشت زندانی مورد حمله و وحشیانه و ضرب و شتم قرار گرفتند. و اکنون در پرونده سازی جدیدی چنین احکام وحشیانه ای برای

روز دوشنبه هفتم شهریورماه ۱۴۰۱، هشت نفر از زندانیان سیاسی توسط شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی بخش فشافویه تهران محاکمه شده و هر کدام از آنها مجدداً به ۱۱ ماه و ۱۵ روز حبس و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شدند. شاپور احسانی‌راد کارگر بازنشسته و عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران یکی از این زندانیان است که شش سال حکم دارد و از خرداد ۹۹ در زندان است. اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته زندانی یکی دیگر از آنهاست که به جرم شرکت در اعتراضات بازنشستگان از فروردین ۱۴۰۰ در زندان بوده و ۴ سال



اهواز دچار بحران. یک خواست کارگران فولاد در اعتراضات اخیرشان راه اندازی تولید بود.

هشدار کارگران فولاد در واقع به تملک درآمدن این مجتمع توسط باند و نهادهای نظامی است که اعضای آن هر روزه در شرکت حاضر و مشغول زدو

بندند. کارگران فولاد با افشای بساط مافیایی حاکم در فولاد و با اعتراضاتشان مقابل این مافیا ایستاده اند. کارگران فولاد با شعار "کشور ما دزدخونه است، توی جهان نمونه است" به فریاد اعتراض کل جامعه تبدیل شدند.

مندرج در ژورنال شماره ۲۰۴

## کارگران فولاد اهواز از مافیای فولاد میگویند

شهلا دانشفر

جلسه پنجم شهریور در دفتر تهران با حضور نادر جعفر یوسفی از مرتبترین با مدیران فاسد فولاد مبارکه است. اشاره شان به گماردن کیکاووس ندایی بعنوان عضو هیات مدیره و نماینده سازمان اموال تملیکی فولاد اهواز است. ندایی معاون منابع انسانی فولاد هرمزگان، از پادوهای فرزاد ارزانی در فولاد مبارکه است. اگرچه فولاد اهواز ظاهراً در تملک بانک ملی است.

این چنین است که مافیای فولاد علیرغم برملا شدن دزدیهایشان در حال مهره چینی در شرکتهای فولادست و فولاد

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز طی اطلاعیه ای در ششم شهریور از ابعاد گسترده اختلاسهای مافیای حاکم بر فولاد سخن میگوید.

بدنبال بر ملا شدن اختلاس بیش از ۹۲ هزار میلیارد تومان در مجتمع فولاد مبارکه، اکنون کارگران فولاد اهواز از بساط مافیایی که بخشی از آن در فولاد مبارکه اصفهان لانه داشته و بخش دیگرش در فولاد اهواز، پرده بر میدارند. اختلاسهای که فولاد را به بحران و کار و معیشت کارگران را به تنگنا کشانده است.

یک استناد کارگران به انتصابات جدید



## آخرین وضعیت معلمان و کارگران بازداشتی از اردیبهشت تا کنون

وثیقه ۳۰۰ میلیونی شد... آزادی او را به وی و به همگان تبریک میگوییم. یک خواست فوری معلمان بستن شدن پرونده امنیتی او، معلمان و کارگران در بند و همه زندانیان سیاسی است.

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان بازداشت موقت رسول بدقایی، جعفر ابراهیمی و محمد حبیبی در حالی وارد ماه پنجم میشود که رسول بدقایی همچنان در بند امنیتی ۲۰۹ اطلاعات بسر میرد. جعفر ابراهیمی نیز با وجود ابتلا به بیماری صعب العلاج دستگاه گوارش و تشدید آن در زندان، همچنان بدون رسیدگی پزشکی در حبس است و بازداشت محمد حبیبی همراه تمدید می گردد.

از سوی دیگر از میان فعالین کارگری و اجتماعی بازداشت شده علیه فعالین معلم و کارگری و اجتماعی رضا شهابی، حسن سعیدی و کیوان مهدی و نیز سیسل کولر و ژاک پاری همچنان در زنداند و وضعیت جسمانی رضا شهابی وخیم گزارش میشود.

اسامی معلمان زندانی در حال حاضر

از اردیبهشت تا کنون همانطور که قبلا گزارش کرده ایم ۲۴۰ معلم بازداشت شده اند... جعفر ابراهیمی و محمد حبیبی از جمله این بازداشت شدگان هستند که همچنان در زنداند. بعلاوه تعدادی از معلمان جزو بازداشت شدگان سناریوسازی رسوای رژیم علیه معلمان و فعالین کارگری و اجتماعی هستند که بدنال بازداشت دو فعال کارگری فرانسوی سیسل کولر و ژاک پاری بازداشت شدند از جمله این بازداشت شدگان رسول بدقایی است که همچنان در زندان است.

در اعتراض به این دستگیریها کارزاری بزرگ به راه افتاد و با حمایت های خوبی در سطح جهانی پاسخ گرفت.

معلمان در صف جلوی این کارزارها قرار داشته و در مقابله با سرکوبگری های حکومت تاکنون موفق به آزادی شماری از همکاران خود شده اند. که اگر چه با وثیقه ولی آزادی آنها یک موفقیت و پیروزی علیه سرکوبگری ها و سناریوسازی ها رسوای حکومت است.

از جمله در این هفته در روز ۱۲ شهریور سارا سپاهپور از معلمان البرز با

عبارتند از:

رسول بدقایی، اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، ناهید شیرپیشه، ناهید فتحعلیان، زینب همزنگ، معصومه عسکری، مهدی فتحی، هاشم خواستار، جواد لعل محمدی و محمد حسین سپهری  
اسامی کارگران و مدافعین کارگری زندانی در حال حاضر عبارتند از:  
حسن طرفی، رضا شهابی، حسن سعیدی، شاپور احسانی راد، نسرین جوادی، اسماعیل گرامی، سپیده قلیان، علی اسحاق، سمیه کارگر، بهاره سلیمانی،

آرش جوهری، ابوالفضل غسالی، شادی گیلک، علیرضا تقفی، مهران رنوف، عباس دریس،  
با اتحاد علیه سرکوبگری بایستیم و با قدرت مبارزاتمان در زندانها را بگشاییم.  
معلمان زندانی، کارگران در بند و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدو شرط آزاد شوند.  
کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
Shahla.daneshfar2@gmail.com  
https://free-them-now.com  
۱۲ شهریور ۱۴۰۱، ۳۱ اوت ۲۰۲۲  
#اتحاد\_علیه\_سرکوب

## اعتراضات بازنشستگان فولاد اصفهان، کارگران شهرداری زرنه و کارون و مریان در اهواز

روز دوشنبه ۱۴ شهریور کارگران شرکت کیان‌تایر در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی با تجمع در محوطه این کارخانه در چهاردانگه اسلامشهر و با به آتش کشیدن لاستیک دست به اعتراض زدند. یک خواست فوری آنها پرداخت دستمزدهای معوقه و داشتن امنیت شغلی است.

روز ۱۳ شهریور کارگران شهرداری قلعه‌رئیزی در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق برای چندمین روز دست از کار کشیدند. به گفته کارگران با فرارسیدن شروع سال تحصیلی مشکل اقتصادی شدیدی بر گرده آنهاست و خواهان پرداخت فوری دستمزد خود هستند.

ساعت ۸ صبح روز یکشنبه ۱۳

اردیبهشت بازنشستگان فولاد اصفهان برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود مقابل صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد، تجمع کردند. پرداخت حقوق معادل تورم و تسریع در پرداخت معوقات ۱۸ ماهه همسان سازی سال ۱۳۹۹ دو مطالبه فوری آنهاست. بازنشستگان میگویند در حالیکه خبرها از دزدی های هزاران هزار میلیاردی در صنعت فولاد گزارش میدهند مطالبات آنها پرداخت نمیشود. افزایش حقوقها به بالای خط فقر، درمان رایگان و برخوردار از یک زندگی شایسته خواستهای مشترک همه بازنشستگان است.

روز یکشنبه ۱۳ شهریور پرسنل و

کارگران شهرداری زرنه در استان ایلام در اعتراض به تعویق پرداخت شش ماه مزد و هفتاد ماه بیمه مقابل استانداری ایلام تجمع کردند.

روز ۱۲ شهریور کارگران شهرداری کارون در خوزستان در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه مزد و حق بیمه خود مقابل درب استانداری خوزستان تجمع کردند. تعویق پرداخت دستمزدها و سطح نازل آن، قراردادهای موقت و پیمانی موضوعات مشترک اعتراضات کارگران شهرداری در سطح سراسری است. در ارتباط با این موضوعات بارها شاهد اعتراضات این کارگران در این شهر و آن شهر بوده ایم. اعتراضات گسترده در میان کارگران شهرداری بستر مناسبی برای

حرکت سراسری و متحد کارگران شهرداری حول خواستهای مشترک آنهاست. ایجاد شورای هماهنگی اعتراضات گام مناسبی برای شکل دادن به چنین اعتراضاتی با کمک گیری از مدیای اجتماعی و دخالتگری حداکثری همه کارگران در اعتراضات است.

روز ۱۲ شهریور مریان پیش دبستانی خوزستانی در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت خود و با خواست دائمی شدن استخدامشان در آموزش و پرورش، مقابل درب استانداری خوزستان تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۴ شهریور ۱۴۰۱، ۵ سپتامبر ۲۰۲۲



## رتبه بندی با طعم تحقیر

مژگان باقری

برگرفته از مدیای اجتماعی

بالاخره پس از یک سال فعالیت پیگیر معلمان کنشگر، لایحه رتبه بندی تصویب شد و به صورت قانون درآمد. نه بازداشت های غیرقانونی فعالان صنفی و نه تهدیدهای بی شمار معلمین از طرف حراست ادارات هیچ تاثیری در اراده ی معلمان آگاه و شجاع نداشت. آنها عزمشان را جزم کرده بودند تا لایحه رتبه بندی را که بیش از یک دهه در بایگانی دولت های مختلف خاک می خورد تبدیل به قانون مصوب مجلس کنند. پس از تصویب این قانون، وزارت آموزش و پرورش موظف شد آیین نامه اجرایی رتبه بندی را بنویسد، اما از آنجایی که کارشناسان وزارتخانه نه سواد کافی برای این کار داشتند و نه درک اجتماعی از شرایطی که قشر فرهنگیان در آن قرار گرفته اند، آیین نامه به شکلی نوشته شده که جز آزار و تحقیر فرهنگیان نمی توان برداشت دیگری از آن داشت. به عنوان مثال شاخص های کیفی که قابل تبدیل به عدد و رقم نیستند و یا شرکت در شورای دبیران مدرسه و حتی عضویت در بسیج فرهنگیان به عنوان معیارهای رتبه بندی در نظر گرفته شده است! مطابق با این آیین نامه فرهنگیان می بایست حاصل بیست و چند سال تلاش صادقانه را با کاغذهایی بارگذاری کنند که در طول این سال ها جمع کرده اند و بسیاری از آنها هم از بین رفته است.

اما تاسف بارتر از این آیین نامه، لحن تهدیدآمیز یکی از مسئولان وزارتخانه به نام آقای نجار است. ایشان در فایل صوتی چند دقیقه ای فرهنگیان را تهدید کرد که فرصت بارگزاری مدارک تا ۱۵ شهریور می باشد و پس از آن تا پنج سال دیگر از رتبه بندی خبری نیست. این فایل صوتی نشان دهنده زوال وزارتخانه ای فرهنگی است که چنین افرادی سکان دار آن هستند. سال ها پیش بنده خدایی در توصیف چنین افرادی نوشته بود: این آقایان به جای کار فرهنگی، کار سرهنگی می کنند! لحن تهدید و خشونت از ابزار کار نیروهای امنیتی و پلیس است نه مسئول فرهنگی.

وقتی از بالاترین مقام وزارتخانه تا روسای نواحی هیچ زبانی جز تهدید و تحقیر معلمان نمی دانند ناچاریم چنین نتیجه بگیریم که این افراد یا نیروهای امنیتی هستند که به اشتباه وارد این سازمان شده اند و یا تفکر امنیتی بر ذهنیت آنان تسلط دارد. مسئولانی که از اولین تجمعات معلمان برای آنها خط و نشان کشیدند، حال که به لطف همین تجمعات و استقامت معلمان رتبه بندی تصویب شده است باز هم آنان را تهدید می کنند که اگر مدارک خود را بارگزاری نکنید تا پنج سال دیگر خبری از رتبه بندی نیست. غافل از اینکه همین معلمان اگر اراده کنند خیلی زودتر از پنج سال دیگر این مسئولین کم سواد را از عالی ترین مقامات وزارتخانه به جایی می فرستند که شایسته آنها باشد و آنگاه افرادی آیین نامه را خواهند نوشت که نه بودجه رتبه بندی را ارث پدر خود می دانند و نه معلمان را افرادی اضافی و نان خور که برای اضافه کردن چندرغاز به حقوق آنها اینگونه تحقیرشان کنند.

اما من و همکارانی که مانند من فکر می کنند تا آن زمان صبر می کنیم و مرعوب تهدیدهای امثال نجار نمی شویم و شان معلمی خود را با بارگذاری مدارک بی ارزشی که کمترین تاثیری در بهبود کیفیت آموزش و پرورش نداشته است پایین نمی آوریم.

در آخر روی سخنم با همکارانی است که با بهانه های مختلف از شرکت در تجمع سر باز می زدند اما این روزها برای بارگزاری مدارک از خواب و خوراک افتاده اند و بعضا متاسفانه به خرید مدرک از بازار روی آورده اند: یادتان می آید چگونه با نگاه عاقل اندر سفیه ما را نصیحت می کردید که این تجمعات تاثیری ندارد؟ یادتان می آید که از ترس تهدیدهای مدیران و حراست ادارات حتی روزهای تعطیل هم بهانه ای برای عدم شرکت در تجمعات داشتید؟

اکنون این رتبه بندی و این هم افزایش سه تا پنج میلیونی به حقوق شما. نوش جانتان. ارزش یک معلم خیلی بیشتر از این حقوق زیر خط فقر است. ولی یادتان باشد که برای تصویب قانون رتبه بندی

معلمان زیادی هزینه داده اند و خانواده های زیادی رنج کشیده اند. یادتان باشد که هنوز معلمانی در بند هستند و حقوقشان قطع شده است. یادتان باشد تصویب رتبه بندی مدیون تجمع بازنشستگان عزیزی است که این قانون متاسفانه شامل آنها نمی شود. یادتان باشد که ما معلمان هنوز مطالبات زیادی داریم که جز با همدلی و همگرایی همه فرهنگیان به دست نمی آید. مطالباتی همچون اصلاح قوانین مربوط به

صندوق ذخیره فرهنگیان، بیمه، قانون خدمات مدیریت کشوری و ... و بالاخره یادتان باشد و یادمان باشد که با وجود مسئولانی که حتی در دادن بودجه مصوب مجلس به معلمان خساست می ورزند و طوری آیین نامه می نویسند که این پول به همه معلمان نرسد ما برای رسیدن به مطالباتمان راه درازی در پیش داریم که جز با اتحاد و پافشاری و استقامت همه فرهنگیان کوتاه نمی شود.

## هزاران ملوان و دریانورد به اجحافات اعتراض دارند

رکنا، رسانه وابسته به جمهوری اسلامی نوشته است: «هزاران ملوان و دریانورد شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی، نسبت به مشکلات معیشتی که برایشان طی چند سال گذشته پیش آمده اعتراض دارند. شاغلین در این بخش میگویند که مدیران شرکت کشتیرانی، تا کنون پاسخی به آنها نداده اند. کشتیرانی، حدود ۳ هزار نفر پرسنل دارد که جملگی مشکلات معیشتی زیادی دارند ولی به مطالباتشان پاسخی داده نمی شود.

برخی از ملوان هایی که به واسطه پیمانکار با کشتیرانی قرار داد دارند، می گویند که در هر سال ممکن است نهایتا چند ماهی را کار کنند و بعد از آن، ممکن است ۶ الی ۷ ماه بیکار باشند و در این مدت بدون حقوق و پرداخت حق بیمه، سرگردان می مانند. این افراد، به ازای هر ماه روی عرشه بودن، ۱۰ الی ۱۲ روز مرخصی دارند که این چیزی حدود یک ماه می شود. در این مدت نیز حقوقی معادل ۳ میلیون تومان دریافت می کنند. بعد از دوران مرخصی که به حالت

استدبای برای سفر بعدی در می آیند، چندین ماه را بدون ریالی، زندگی می کنند؛ آن هم در شرایط توری این روزهای کشور. از سویی دیگر، حقوق این افراد در زمانی که روی عرشه هستند، باید به دلار پرداخت شود؛ با این وجود، از سال ۱۳۹۷ که قیمت دلار دچار نوسان شد، تقریبا نیمی از حقوق، به دلار و مابقی به ریال و با احتساب دلار ۱۸ هزار تومانی پرداخت می شود. بیمه و حقوق ملوانان در دوران استدبای پرداخت نمی شود. « ۳۰۰۰ ملوان و دریانورد نیروی عظیمی هستند که میتوانند با متشکل شدن و اقدامات متحدانه، از جمله تجمع همزمان خواست های بحق خود را به مفتخوران حاکم تحمیل کنند. ۳۰۰۰ ملوان و دریانورد همراه با خانواده های خود این توان را دارند که خواستهای خود را به کرسی بنشانند. گام اول جلو افتادن تعدادی از ملوانان برای درست کردن شبکه های خود و جمع کردن دیگران در پلتفرمهای مدیای اجتماعی است. برگرفته از مدیای اجتماعی حزب کمونیست کارگری

